

ای مسلمانان! اینک، حقیقت واقعی حاکمان شما آشکار شده است و روشن گشته که آنان دغدغه منافع دشمنان را دارند، نه منافع شما؛ بلکه حتی آماده‌اند شما را برای حفظ تخت‌های لوزان خود، قربانی دشمنان کنند و غیزه پترین گواه بر این مدعاست و امروز ایران پیش چشمان شماست و پیش از آن نیز سومالی، عراق، یمن، لیبی و سوریه این سرنوشت را یافته‌اند. پس شما چه خواهید کرد و تا کی بر آنان خاموش می‌مانید؟! اکنون زمان آن فرارسیده که این حاکمان مزبور را از قدرت بردارید و بسا حزب‌التحریر، صاحب سروزه حقیقی نهفتان، همکاری کنید تا عزت و کرامتان را باز یابید و دویاره سرور جهانیان و حاملان شعل هدایت برای همه مردم باشید.



در این شماره می‌خوانید:

بحران پیدایت در سودان نیازمند نظامی است که امور مردم را سرپرستی کرده و با آنان مدارا نماید... ۲

چگونه رهبری پاکستان کرامت خود را در برابر هند و ترامپ از دست داد؟... ۲۰۰

نظریه بین‌المللی شهید و مستمری برای جلوگیری از تخلف اهداف و نوابت انقلاب شام... ۳

بیهانه‌های رنگارنگ، بی‌حاصلی محض!... ۴۰۰

قانون اجاره قدیم در مصر؛ میان فقدان رعایت و تئیت منفعت طلبی و طیفه‌گرایی... ۴۰۰

چهارشنبه ۱۳ محرم ۱۴۴۶ هـ، ۲۵ تیر ۱۴۰۲، ۱۸ تیر ۱۴۰۴ هـ

مقاله برگزیده

در سالگرد هجرت نبوی؛ نبود دولت خلافت چه معنایی دارد؟

استاد رمزی راجح - ولایت یمن

بدون شک، اسلام تنها مبدأ درست و توانمند برای حل مشکلات زندگی انسانی در همه زمینه‌هاست؛ زیرا عقیده آن، تنها فکر کلی و شفاف‌بخشی است که حقیقت این وجود و آنچه پیش و پس‌از آن است را تبیین کرده و گره‌های بنیادین را با پاسخی حل نموده که عقل را قانع می‌کند، با فطرت هماهنگ است و دل را سرشار از آرامش می‌سازد.

یک عقیده، زمانی مدانی خواهد بود که دیدگاه خود را درباره حقیقت زندگی بیان کرده و نظامی از آن برخیزد که کارکرد انسان را در این جهان روشن سازد. از سویی دیگر، هیچ مدانی نمی‌تواند در واقعیت زندگی نقش ایفا کند مگر اینکه موجودیتی اجرایی داشته باشد که نظام‌هایش را در واقعیت عملی به اجرا بگذارد؛ در غیر این صورت، آن مبدأ تنها به فلسفه‌ای نظری و خیالی بدل خواهد شد که هیچ اثری در واقعیت زندگی ندارد. چراکه فکر مدانی نیازمند برقراری برای تجسم و تحقق در زندگی واقعی است تا وجود آن عملاً محقق گردد، نه اینکه صرفاً یک نظریه فلسفی باشد. از همین رو، وجود دولت اسلامی، فرضیه‌ای است که باید تحقق یابد تا عقیده اسلامی، فکری عملی گردد و بر جامعه‌ها حکومت کند و ضرورت دارد که خلافت، همان ساختاری باشد که مسلمانان موفق‌اند از آن پیوسته حفظ کنند و هرگاه خلیفه‌ای در دنیا رفت، با خلیفه‌ای دیگر به‌جای او بیعت کنند تا حکومت به آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده ادامه گردد و امانت اسلام که الله سبحانه و تعالی بر عهده‌شان گذاشته و آنان را جانشین روی زمین گردانده، ادا شود. احادیث نبوی در این زمینه فراوان است؛ چنان‌که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم بر اهمیت حفظ دولت اسلامی تأکید فرمود و گفت: «فوا بنبیة الاول فالاول» «به بیعت نخستین، وفادار باشید، یکی پس از دیگری» و در حدیثی دیگر فرمود: «إذا توبع خلیفتین فاقبلوا الآخر منینا» «اگر برای دو خلیفه بیعت شد، آن دیگری را بکشید».

پس خلافت، راهکار شرعی برای اجرای عملی نظام‌های اسلام در زندگی و رساندن پیام اسلام به جهان از راه دعوت و جهاد است تا قدرت‌های باطل را بشکند و راه خیر الهی که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به‌عنوان رحمتی برای جهانیان آورده است، هموار سازد. وجود خلافت، یعنی وجود اسلام؛ نه نبود آن، یعنی دورساختن اسلام از محضه زندگی و جایگزین کردن نظامی دیگر که باطل را حاکم می‌سازد و امور مردم را مطابق امیال طاغوت‌ها اداره می‌کند.

از آن ناآشنا‌تر آنکه مسلمانان، دولت خلافت را تنها ساخته‌اند؛ تا جایی که استعمار خارجی توانست آن را در سال ۱۳۴۴ هجری قمری، برابر با ۱۹۴۴ میلادی، ویران کند. تاسف بزرگ‌تر زمانی است که می‌بینیم دشمنان ما به معنای وجود خلافت پی برده‌اند، اما فرزندان خود ما از این امر غافل‌اند. دشمنان اسلام در امروز مسلمانان خود، تمرکز خود را بر دور ساختن مسلمانان از اندیشیدن به بازگرداندن دوباره خلافت گذاشته‌اند و از همه ابزارهای مکر و فریب بهره برده و مزدوران و فریفتگان خود را برای این کار به کار گرفته‌اند؛ در حالی که امروز مسلمانان، سرگردان در تومر راه‌هایی هستند تا از این گرداب که آنان را در ماصلب و دردها دربر گرفته، رهایی یابند، بی‌آنکه بدانند نبود خلافت، همان معضل بزرگ است که باید آن را، در صدر مسائل حیاتی خود، به‌عنوان یک قضیه سرنوشت‌ساز قرار داده و برای تحقق آن اقدام کنند.

جنگ نسل‌کشی در غزه ادامه دارد و کمک‌ها تله‌های مرگ‌اند

استاد خالد سعید



در طول بیش از ۲۰ ماه از این جنگ دیوانه‌وار، عناوین سیاست‌های این رژیم جنایتکار و برنامه‌هایش علیه مردم نوار غزه، چیزی جز نسل‌کشی و کشتار، محاصره و گرسنگی و نابودی هرگونه جلوه‌ای از زندگی نبوده است؛ گویی لسان حال و مقال آن چنین است: «ای مردم غزه! برای شما در این سرزمین جایی نیست؛ به مرگ یا کوچ اجباری».

در تأیید ماهیت جنایت‌بار و عیش‌سیرنی‌ناپذیرش به کشتار، اشغالگران با موضوع کمک‌ها که قرار بود انسان‌دوستانه باشد، رویکردی نظامی اتخاذ کردند و آن را به بخشی از سیاست کشتار و گرسنگی و ابزاری از ابزارهای جنگ نسل‌کشی تبدیل کردند. پذیرش ورود این کمک‌ها به غزه صرفاً در نتیجه فشارهای بود که به‌دلیل اوج‌گیری افکار عمومی جهانی علیه جنایت‌های آنان علیه غیرنظامیان، به‌ویژه زنان و کودکان و سالمندان، بر آنان وارد شد. حقیقت این است که پاسخ آنان به مطالبه ورود کمک‌ها، چیزی جز خاک پاشیدن به چشم مطالبه‌گران از دولتها، نهادهای سازمان‌ها و فرو نشاندن خشم افکار عمومی و فریب جهانیان نبود؛ در حالی که مدیریت پرونده کمک‌ها را در چارچوب برنامه جنگی خود و به‌عنوان ابزاری از ابزارهایش به کار گرفتند.

هیچ‌گاه، تیت خود را درباره نوار غزه پنهان نکردند؛ چه در اظهاراتشان و چه از طریق ماشین جنگی تاب‌ناشان. خالی‌کردن غزه از سکنه و کوچاندن مردمش از آن، همچنان هدفی است که رژیم یهود با قدرت در پی تحقق آن است و در این تلاش‌های شیطانی خود به حمایت سیاسی و مادی غرب، به‌ویژه آمریکا، تکیه دارد. همچنین بر همدستی همه حاکمان مسلمان، به‌ویژه حاکمان کشورهای اطراف فلسطین، متکی است. همه اظهارنظرهایی که از آنان درباره رد کوچ اجباری صادر می‌شود، دروغ محض است و صرفاً برای مصرف رسانه‌ای و فریب افکار عمومی بیان می‌شود؛ حال آنکه واقعیت تحرکات سیاسی‌شان و عامل‌شان با فاجعه جاری در غزه، مشارکت آنان با اشغالگران برای تحقق هدف کوچ اجباری را اثبات می‌کند. رژیم یهود تا این لحظه از این هدف چشم‌پوشی نکرده و آن را از محاسبات خود حذف نکرده است. جنگ نسل‌کشی نیز هنوز پایان نیافته است؛ اشغالگران تلاش می‌کنند از هر فرصتی برای فشار جهت تحقق کوچ اجباری استفاده کنند و بسیاری از رهبران سیاسی و نظامی خود، هدفشان را در آنچه به‌عنوان «طرح ترامپ برای حل مسئله غزه» شناخته می‌شود، یافته‌اند؛ طرحی که همواره بر تحقق جنایت‌بران تأکید دارند.

حزب‌التحریر/تائزانیا کمپین ویژه‌ای راه‌اندازی می‌کند؛ برای دفاع از عقیده اسلامی و حمایت از آن

حزب‌التحریر/تائزانیا، روز جمعه دوم محرم الحرام ۱۴۴۷ هجری قمری، برابر با ۲۷ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی، کمپین ویژه‌ای را در سراسر کشور آغاز کرد.

این کمپین که به مدت دو ماه، از محرم تا صفر ۱۴۴۷ هجری، ادامه خواهد داشت، با هدف حفاظت از عقیده اسلامی و دفاع از آن راه‌اندازی شده است. این اقدام در پی ظهور و گسترش جنبش‌ها و جریان‌های منحرفی است که افکار فاسد و متعددی را رواج می‌دهند و هدف نهایی و پنهان آن‌ها جنگیدن با اسلام و ایجاد تردید در میان مسلمانان نسبت به دین‌شان است.

- اهداف این کمپین عبارت‌اند از:
- مقابله با اندیشه کثرت‌گرایی دینی.
- مقابله با اندیشه بت‌پرستی.
- مقابله با اندیشه‌های ادیان سستی و ادیان آفریقایی.
- تبیین صحیح و جامع عقیده اسلامی.

این کمپین با شعار: «اختلاف میان ادیان، مسیحیت، بت‌پرستی و پرستش اتم‌ها را رد کنید و به اسلام تمسک جوید» برگزار می‌شود؛ برای رساندن پیام خود به عموم مردم از روش‌های متنوعی بهره خواهد گرفت؛ از جمله: گفت‌وگو، علنی در منابر اسلامی، گفت‌وگو علنی با مسیحیان و دیگر گروه‌هایی که عقاید ضد اسلامی دارند. نگارش و توزیع مقالات علنی و انتشار در فضای مجازی. نگارش و ارسال نامه‌های سرگشاده به نهادهای اجتماعات غیرمسلمان، برای افشای ضعف اندیشه‌های آنان و تبیین حقیقت اسلام. انتشار ویدئو در رسانه‌های اجتماعی. استفاده از منابر خطبه‌های جمعه. صدور بیانیه‌های مطبوعاتی. برگزاری جمع‌ات اعتراضی. پخش برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی آنلاین و سایر روش‌ها.

از روز جمعه ۲۰۲۵/۶/۲۷ رسانه‌ها گزارش دادند که رئیس‌جمهور اریتره، «اسپاس افورقی»، با آموزش ۵۰ هزار نفر از اهالی دو ایالت شمالی و نبر النیل سودان، آموزش نظامی پیشرفته، موافقت کرده است. این آموزش بنا به درخواستی که رئیس «کیان شمال»، محمد سید احمد الجاکومی، رئیس مسیر شمال در توافق جوبا برای صلح سودان، ارائه داده بود، انجام می‌شود.

در این رابطه، سخنگوی رسمی حزب‌التحریر در ایالت سودان، استاد ابراهیم عثمان (ابوخلیل) در بیانیه‌ای مطبوعاتی گفت: تا روز یکشنبه ۲۰۲۵/۶/۲۹ صبر کردیم تا واکنش دولت و موضعش نسبت به این خبر فاجعه‌بار را ببینیم؛ اما پاسخ، شوکه‌کننده بود؛ چراکه رئیس‌کیان شمال به یکی از منابع خبری «محقق» اعلام کرد که ارتش و نهادهای امنیتی از موضوع آموزش این نیروها مطلع شده‌اند و گفت: «ما در حال هماهنگی با آنها هستیم و بدون موافقت آنها هیچ اقدامی نخواهیم کرد».

وی افزود: این اعلام در زمانی صورت می‌گیرد که نشانه‌های تقسیم سودان پدیدار شده است؛ با تسلط نیروهای واکنش سریع بر ایالت‌های دارفور و تهدید به اعلام دولت موازی و سلطه گرایش‌های منطقه‌ای و قومی بر گفتمان سیاسی و تثبیت سهمیه‌بندی‌ها در قدرت، در همین زمان، «برهان» شعار «هر منطقه، یک شیعه‌نظامی» را سر داده است، به‌طوری‌که هر روز صبح، شیعه‌نظامی جدیدی پدید می‌آید؛ اما خطرناک‌تر از این، آموزش شیعه‌نظامیان در خارج کشور، یعنی اریتره است و اعلام جاکومی نیز در همین راستا صورت گرفته است!

استاد ابوخلیل افزود: ما در حزب‌التحریر/ ولایت سودان، بر اساس این خبر شوکه‌کننده، به نکتات زیر تأکید می‌کنیم:

اول: بارها و بارها درباره خطر تکثیر شیعه‌نظامیان اعلام شده‌ایم؛ زیرا این‌ها ابزار ویرانگر دولت ما و مدخل نفوذ قشار استعمارگر برای تجزیه سودان از طریق قوت‌های و تعصبات نژادی هستند و حالا به شکل‌گیری شیعه‌نظامی شمال سودان، همانند سایر مناطق سودان، این محضه بی‌پرونده تکمیل می‌شود!

دوم: اسلام، چنانچه زیر پرچم‌های تعصب و قومیت را حرام کرده است، چنان‌که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: «هر کس زیر پرچمی کور بپنجد، برای تعصب شایر بگیرد، یا به تعصب دعوت کند، یا به تعصب را بیار دهد، سپس کشته شود، مرگش، مرگ جاهلیت است».

سوم: ادعا اینکه این آن شیعه‌نظامی تحت فرمان ارتش خواهد بود، فقط خاک‌پاشیدن به چشم‌هاست؛ زیرا همیشه آغازها این‌گونه است و سپس وقایعی تا‌ناگوار رخ می‌دهد؛ نمونه بارش نیز نیروهای واکنش سریع است.

چهارم: دولت با این کار خود در پی تثبیت طرح آمریکایی را برای تجزیه باقی‌مانده سودان اجرا کند. از پایان، استاد ابوخلیل تأکید کرد که وظیفه ارتش این است که فوراً همه نیروهای مسلح برانکده در کشور را زیر پرچم خود متحد سازد تا آن‌ها را به نیرویی واحد و نیرومند تبدیل کند و قدرت حکومت را برقرار سازد، سپس نصرت خود را به حزب‌التحریر بدهد تا خلافت راشده دوم بر منج نبوت را اقامه سازد، امت را بر اساس اسلام بزرگ متحد گرداند، احکام اسلام را اجرا نماید و نفوذ قشار استعمارگر را از سرزمین ما و همه سرزمین‌های مسلمانان ریشه‌کن کند.

در پایان، استاد ابوخلیل بیانیه مطبوعاتی خود را با یادآوری این آیه خطاب به ارتش و فرماندهان سودانی به پایان رساند: «یا ایها الذین آمنوا استنجبوا لله وللائول اذا ناکم لقا یحییکم» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اجابت کنید الله سبحانه و تعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را هنگامی که شما را به چیزی می‌خواند که به شما زندگی می‌بخشد».

بحران بهداشت در سودان نیازمند نظامی است که امور مردم را سرپرستی کرده و با آنان مدارا نماید

استاد غاده عبد الجبار (ام واب) _ ولایت مین



دستر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد اعلام کرد که سودان با یک بحران شدید بهداشتی روبروست، بهطوری که ۶۰ درصد از جمعیت این کشور از مراقبت‌های بهداشتی کافی محروم‌اند. درحالیکه کودکان ۵۵ درصد از نیازمندان به کمک را تشکیل می‌دهند و همچنان آسیب‌پذیرترین گروه در برابر شیوع بیماری‌ها هستند. این دفتر تأکید کرد که بین ۷۰ تا ۸۰ درصد از مراکز بهداشتی در مناطق درگیر جنگ از کار افتاده‌اند. این دفتر هشدار داد که میلیون‌ها سودانی در رنج‌اند و بر ضرورت اقدام فوری جامعه بین‌المللی برای جلوگیری از یک فاجعه انسانی بزرگتر تأکید کرد. (الشرق – سودان، ۲۰۲۵/۹/۲۳)

قطعا ادامه جنگ، بخش بهداشت را در بحران بزرگی فرو برده است، با کمبود دارو و کارکنان، هدف قرار گرفتن مؤسسات بهداشتی و آسیب دیدن آن‌ها در درگیری‌ها، بهطوری که از نیمه آوریل ۲۰۲۳، شمار کشته‌ها، زخمی‌ها و بیماران افزایش یافته است، بدون اینکه حداقل امکانات مراقبت پزشکی وجود داشته باشد و با وخامت اوضاع و تخریب بیمارستان‌ها مراکز درمانی که ارائه خدمات در آن‌ها بیش از دو سال متوقف‌شده است، مرگ، بیماری و گرسنگی اهل سودان را تعقیب می‌کند. بدترین فاجعه انسانی جهان بر آنان جمع شده است، درحالی که دولت فقط از سازمان‌ها درخواست کمک می‌کند و جز انتشار اخبار کاری نمی‌کند و از همین طریق از تأمین‌کنندگان مالی کمک می‌خواهد، درحالیکه ده‌ها هزار قربانی و میلیون‌ها آواره به گرسنگی و بیماری روبرو هستند و هر روز جنگ به سمت وضعیت بدتری می‌رود.

با وجود تبعیضی نیروهای واکشن سریع از چندین منطقه، ارائه خدمات بهداشتی همچنان با مشکلات فراوانی مواجه است، چراکه بیش از دوسوم بیمارستان‌های اصلی در مناطق آسیب‌دیده کاملاً از کار افتاده‌اند و بیمارستان‌هایی که هنوز فعال‌اند، با خطر تعطیلی به دلیل کمبود کادر پزشکی، مواد مصرفی، آب سالم و برق مواجه‌اند، درحالیکه بیمارهای خطرناک و بسیار واکسینار در حال شیوع است. همچنین، نظام پیش‌بیماری‌ها از کار افتاده که این خود، چالشی جدی برای شناسایی و تأیید شیوع بیماری‌ها و واکنش سریع است؛ اما سوختگی و گرسنگی، سازمان‌های بین‌المللی نسبت به گسترش خطر در سال ۲۰۲۵ م در مناطق مختلف سودان هشدار دادند؛ چیزی که منطبق با میلیون‌ها نفر، بیشتران کودک را تهدید می‌کند و وضعیتشان را وخیم‌تر می‌سازد؛ این خود یکی از وخیم‌ترین بحران‌های غذایی جهان به‌شمار می‌آید. اصلی‌شایع، مسئول برنامه‌های بهداشتی است. بین‌المللی ملیب سرخ در سودان، می‌گوید: «وضعیت در مراکزهای بهداشتی قابل توصیف با کلمات نیست. مردم‌ها از دارو، غذا و آب محروم‌اند و سالمندان، زنان و کودکان از درمان‌های اساسی محروم. بدین ترتیب، دیابت محروم‌اند و وضعیت در حال وخامت است».

بیماری‌های واگیردار و غیرواگیردار و جراحات و صدمات جسمی تشدید یافته و بحران سلامت را افزایش داده است. همچنین افزایش تعداد آوارگان داخلی و فروپاشی سیستم فاضلاب محیطی، بار بیماری‌های واگیردار و به‌طور قابل‌توجهی افزایش داده است. این وضعیت و به وخامت در شیوع بیماری‌هایی مانند وبا، سرخک، تب دنگی، تب

در فضای سالگرد هجرت نبوی شریف

ای مسلمانان! ای کسانی که سالگرد هجرت نبوی شریف را گرامی می‌دارید، بر شماست که بدانید چرا هجرت، بزرگ‌ترین رویداد در تاریخ شما شد؛ زیرا نقطه‌گذار اسلام از نظریه به عمل بود، در سایه آن دولت عظیمی که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در مدینه بنا نهاد و در آن، جزیره‌العرب را به هر شرک به ائتلاف سجدانوعالی پاک گردانید و پیام اسلام را به جهان رسانید. پس از آن، خلافت راشده بر منبج نبوت آمد که الگوی حکومت و مدیریت در داخل و خارج بود، همراه با یاران بزرگوار رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم.

پس ای مسلمانان! اگر واقعا عزت و کرامت و پیروزی و رهایی از استعمار و از حاکم مستبد و قوانین فاجعوی جهانی را می‌خواهید، راهی را تقی عملی هدف هجرت نداری؛ یعنی اقامه دولت اسلامی. حزب‌التحریر چونکي اقامه آن را بیان کرده است؛ پس با هم‌راه شوید تا دولت اسلامی را اقامه گردد و تنها با این عمل است که هجرت معنای حقیقی و عملی خود را پیدا می‌کند. این‌گونه است که دولت عظیم تولد می‌یابد؛ دولتی که با نیروهای کفر و تجاوز به مقابله برمی‌خیزد و بر آنان پیروز می‌گردد، همان‌گونه که دولت بزرگی که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم بنا نهاد، به دنیا آمد: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَخْلُقَ مِنْهُمْ أَقْوَاصًا مُؤْمِنِينَ» «ما می‌خواستیم که به ضعیفان و ناتوانان تفضل نمایم و ایشان را پیشوایان و وارثان سازیم».

چگونه رهبری پاکستان کرامت خود را در برابر هند و ترامپ از دست داد؟

استاد بلال المهاجر _ ولایت پاکستان

پس از چشم‌پوشی رهبری سیاسی و نظامی پاکستان از پیروزی‌های عقاب‌های نیروی هوایی پاکستان و شیران ارتش بر هند در ماه گذشته به دست آوردند و درسی فراموش‌نشده‌ای به هند دادند، با پذیرش آتش‌پس میان دو کشور، درحالی‌که هند بر توقف اجرای معاهده آب‌ها و محروم کردن پاکستان از حدود ۸۰٪ از آب‌های جاری به آن رود سند که از چین سرچشمه می‌گیرد و از هند و سپس پاکستان می‌گذرد، فشاری کرد و همچنان اشغال کشمیر توسط هند ادامه دارد. پس از وساطت ترامپ، بلکه فرماندهی است که عمدا جنگی نامشروع را و نجات هند از ورطه‌ای که خود را بدون برآورد درست قدرت‌ها در آن انداخته بود، پاکستان روز شنبه ۲۰۲۵/۹/۱۲ اعلام کرد که رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ را برای دریافت جایزه نوبل صلح سال ۲۰۲۶ نامزد کرده است، با این ادعا که «تلاش‌های



دیپلماتیک او در آرام‌سازی تنش» میان پاکستان و هند در ماه مه گذشته تأثیرگذار بوده است! در بیانیه دولت پاکستان آمده است: «پس از تجاوز به‌دلیل هند، رئیس‌جمهور ترامپ درآندیشی استراتژیک و مهارت سیاسی برجسته‌ای از خود نشان داد، از طریق ارجاع دیپلماتیک گسترده با اسلام‌آباد و دهنی‌و که به آرام شدن اوضاع رو به تشدید و تضمین آتش‌سپس و جلوگیری از درگیری گسترده‌تر میان دو کشور هسته‌ای کمک کرد» در بیانیه همچنین آمده که دولت «تلاش‌های ترامپ برای حل اختلاف طولانی درباره جامو و کشمیر را که علت اصلی دشمنی میان دو کشور به‌شمار می‌آید، ارج می‌نهد».

در تقاضی آشکار میان موضع پاکستان که باید موضع پیروز جنگ باشد و موضع هند که باید موضع شکست‌خورده باشد، موضع هند بسیار مستقل‌تر و مترومانه‌تر از موضع تسلیم‌شده پاکستان بود؛ چنانکه سخنگوی وزارت خارجه هند، راندهیر جاپوال، اظهارات ترامپ را که مدعی شده بود آمریکا به هند و پاکستان مشوق‌های تجاری از برای توقف جنگ پیشنهاد داده و تهدید به توقف تجارت در صورت عدم پذیرش کرده است، رد کرد. جاپوال تأکید کرد که آتش‌سپس با تصمیم مستقل فرماندهی نظامی دو کشور، بدون دخالت خارجی، انجام‌شده است. پاکستان این اظهارات را تکذیب نکرد که نشان می‌دهد فرماندهی نظامی مستقیمی و حتی بدون وجود میانجی یا تهدید ترامپ، به پیروزی خود پیوسته کرده و آن را واگذار کرده است، مهرانما با اعلام نامزدی ترامپ، فرمانده ارتش پاکستان، منیر، به آمریکا سفر کرد و به ترامپ در کاخ سفید دیدار داشت؛ این دیدار تنها یک روز پیش از مشارکت آمریکا با رژیم پیود در بمباران سه تاسیسات هسته‌ای در ایران صورت گرفت. با وجود مخالفت گسترده مردمی در پاکستان با این تصمیم، بویژه پس از دخالت ترامپ در حمایت

چقدر تفاوت است میان عزتی که در سایه اسلام به دست می‌آید و ذلتی که زیر سلطه نظام‌های وابسته تجربه می‌شود

کمیته عالی امتحانات دیپلم سودان از جامعه جهانی و سازمان‌های مرتبط درخواست کرد تا به حمایت از تلاش‌های وزارت آموزش‌وپرورش ادامه دهند و کمک کنند همه دانش‌آموزان سودانی به‌ویژه در مناطق درگیر جنگ و شرایط انسانی پیچیده بتوانند در امتحانات شرکت کنند. (سونا، ۲۰۲۵/۵/۲۴)

تعلیق: نجات ما به دست خود ماست، نه به دست دشمنانی که پیوسته در کمین ما هستند؛ چه آنان‌که آشکارا دشمنی می‌ورزند و چه آنان‌که نقاب دوستی و «شراکت» (اهدانندگان) بر چهره دارند. وابسته کردن مسائل آموزش که در تربیت و ساخت نسل‌ها اساس‌ترین جایگاه را دارد به این سازمان‌های مشکوک، خودکشی سیاسی و هلاکتی عظیم است که آثار مخربش به‌زودی دامن جامعه را خواهد گرفت.

آموزش رکن اساسی پیشرفت مسلمانان است و برای اینکه چنین باشد باید نظام‌سیاسی مبتنی بر عقیده عظیم اسلام وجود داشته باشد؛ نظامی که دارای چشم‌انداز سیاسی مستقل و ولایی برای دولت خود باشد تا نوع بشر را از تاریکی کفر و گمراهی و جهل به نور اسلام و عدل آن‌که در همه عرصه‌های زندگی، اعم از معنوی، فکری، سیاسی، اقتصادی، علمی و فناوریانه راهبر باشد. این نظام سیاسی بدون تردید نظام خلافت راشده بر منبج نبوت است که اسلام و قوانینش را به‌طور کامل اجرا می‌کند و قرن‌ها جهان را با مؤسسات علمی ممتاز و ابتکارات و اکتشافات پیشرفته و سیم بزرگ خود در توسعه انسانی رهبری کرد. پس چقدر تفاوت است میان عزت در سایه اسلام و خواری در سایه نظام‌های وابسته.

ادامه: جنگ نسل کشی در غزه ادامه دارد و کمک‌ها تله‌های مرگ‌اند

و هر روز خبر شهادت و زخمی شدن ده‌ها نفر از گرسنگان در صف انتظار کمک‌ها اعلام می‌گردد. بنا بر گزارش دفتر رسانه‌ای دولت غزه در روز جمعه ۲۰۲۵/۱۲/۲۷، پس از گذشت یک ماه از ایجاد تله‌های مرگ و دام‌های جمعی توسط اشغالگر، ۵۴۹ شهید و ۴۰۶۶ مجروح و ۳۹ مفقود ثبت‌شده است؛ این موضوع نشان می‌دهد که اشغالگر با کمک‌ها نیز صرفاً رویکرد نظامی دارد و ورود کمک‌ها تنها واکنشی به فشارها بوده است، درحالی‌که سیاست مطلوب او، قتل و گرسنگی برای تحقق هدف اجباری است و اگر مجبور به پذیرش‌شده، کوشیده است تا از آن استفاده‌ای کرده‌اند.

با بارها و بارها تأکید گردیده‌ام که مسئله غزه، مسئله خوراک و آب و کم‌رسانی نیست، بلکه مسئله اشغالگری است که باید پایان یابد؛ سرزمینی اسلامی که غصب‌شده و باید آزاد گردد. هرگونه طرح مسئله از زاویه انسانی و کمک‌ها، صرفاً تعمیل الگوی مداخله و مدیریت به‌جای حل بحران است، حال آنکه اصل این است که وضعیت غزه باید به‌عنوان بخشی از نظام اسلامی که در برابر دشمنان ایستادگی کرده و از عادت همگان به تسلیم و خوارگی سر باز زده، مطرح گردد؛ غزه ایستادگی کرد و در برابر جلا جایتکار خود مقاومت نمود و تأکید شد برای آن را بپردازد. مسئله غزه، مسئله امنی است، به‌گونه‌ای که مسئله روشن و کوچک باقی‌مانده، همان بخش استوار و شکست‌ناپذیر است. خاصیت این مسئله، این است که در هم بشکنند تا الگویی برای مجازات و عبرتی برای دیگران باشد.

مسئله غزه، مسئله امنی است که توانایی و ترس آن را نیز بگیرد غزه است و امنیت‌ها یکی پس از دیگری بر سرش فرود می‌آید و ضربه‌ها را بر سر خود بدون هیچ واکنشی دریافت می‌کند، درحالی‌که تنها به تضایق آنچه بر سرش می‌آید بسنده می‌کند، نتیجه سال‌ها سکوت و تسلیم در برابر دشمنان و گمان‌زدن‌شان. مسئله غزه، مشکل از مرز داخل و از جات بیرونی، مشکل غزه، مشکل کم‌رسانی نیست، بلکه مشکل در وجود رژیم یهود و وجود حکومت‌های حاکم بر سرزمین‌های مسلمانان است که آن حمایت می‌کنند و برای آن را حفظ می‌نمایند. بر این اساس، مسئولیت کامل امروز بر سرش فرود می‌آید و نیروهای زنده آن است تا سلطه خود را بازپس گیرند و از سطره طبقه حاکمه‌ای که بر سینه‌اش سنگینی می‌کند، رهایی یابند؛ چراکه این حاکمان شرک یهود در قتل و نسل‌کشی مردم غزه هستند و رهایی از آنان، راه به‌جسی فلسطین، به‌جسی فلسطین و به‌جسی فلسطین، به‌جسی فلسطین، پس باید غزه را پایدار، استقامت و فداکاری‌اش را الهام‌بخش شما باشد و چراغ راهی در مسیر نجات گردد و یقین داشته باشید که چیزی را که در راه رهایی از سلطه حکومت‌های حاکم از دست بدهید، بسیار آسان‌تر و کمتر از آن چیزی است که در صورت بقای آن‌ها بر تخت‌پایشان، با پذیرش تسلیم و زنجیری زیر سلطه حکم جابرشان، از دست داده‌اند و خواهید داد.

ادامه: در سالگرد هجرت نبوی؛ نبود دولت خلافت چه معنایی دارد؟

افزون بر این، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نیز به اهمیت کار برای برپایی این راه‌حل اساسی اشاره فرمود که در رهنمای این نظام‌های چتری برپا می‌شود؛ چنان‌که فرمود: «لَمْ تَكُنْ خَلافةَ عَلِيٍّ مُنْجِ الْاُمَّةِ»، سپس خلافتی بر منج نبوت خواهد بود. در سایه این واقعیت دردناک که نظام‌های چتری گفیری بر جوامع برپا شده‌اند، بیشک باید جماعتی مدانی و سیاسی و مصلحتی وجود داشته باشد که پروژه اسلام را خالص و ناب حمل کند و برای اقامه خلافت راشده تلاش نماید؛ الگوبرداری از فرقه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در اقامه اسلام نخستین که مراعاتش چنین است: ۱- آموزش و جذب نیرو ۲- تعامل و پیوند فکری و مبارزه سیاسی و جلب حمایت اهل قدرت و نفوذ ۳- بدست گرفتن حکومت و فرمان.

که شد که این کار محال است؛ چنین سخنی را فقط کسانی می‌گویند که به عقیده ما ناگامانند، عقیده‌ای که قدرت افق عقلا و تأثیر بر جان‌ها را دارد، زیرا با فطرت انسانی هماهنگ است. بزرگان انصار رضوان‌الله‌علیهم، نوه‌ای از اهل قدرت و نفوذ بودند که آبرو و سلطنت خود را در نصرت اسلام و اعلان اقامه آن نهادند و بر پیش رفتن، فرمان حکومت را به فرمانده الگو، محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم، سپردند؛ یعنی که برای سپردن رعام

اگر حاکمان مسلمان، نایب‌رسان نیستند، پس «امارت نایب‌رسان» چه کسانی هستند؟!

تا کعب بن عجره رضی‌الله‌عنه روایت است که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: «از الله پناه می‌برم برای تو از امارت نایب‌رسان؛ گفت: ای رسول‌الله! آن چیست؟ فرمودند: کسی که از خداوند بود؛ هرکس بزرگان رود و سخنانشان را تصدیق کند و بر ظلمشان باریشان دهد. آنان از من نیستند و من از آنان نیستم و نزد حوض [کوثر] بر من وارد نمی‌شوند و هرکس نزد آنان نرود و سخنانشان را تصدیق نکند و بر ظلمشان باریشان نکند، آنان از من هستند و من از آنان هستم و آنان بر من نزد حوض [کوثر] وارد می‌شوند».

سفارت‌هاکان در سفر احرار ترامپ به خلیج فارس آشکار شد؛ امت، معذنه‌های نابخری حاکمان را دید که چگونه از دشمنان الله سبحانه‌وتعالی و دشمن امت، یعنی رئیس‌جمهور آمریکا، دودان ترامپ، استقبال کردند. فرش سرخ و بنفش باریش پهن کردند و در کاخ‌های مجلل با او جشن گرفتند و همه امرا، سفرا و پیروان را باریش جمع کردند، گویی که از آسمان بر آنان فرود آمده است!

سیس هزاران میلیارد دلار به او تقدیم کردند تا جایی که به گفته خود ترامپ، این رقم به پنج تریلیون و صد میلیارد دلار (۵۰۰ میلیارد دلار) رسید، تحت عنوان قراردادهای سرمایه‌گذاری‌های کاذب که فقط به سود آمریکا و منافع ترامپ، همان تارمایی که به‌عنوان دست‌ساز برای کشورش بر آن می‌بایست کرد. آیا نابخری بالاتر از آن وجود دارد که انسان با دشمنش جشن بگیرد و او را بر خودش قوی کند و یاری دهد؟! چه اندازه است به حاکمی نیاز دارد که تقوای الهی در حق آن، اموالش، آبرویانش و مصالحانش داشته باشد.

توطئه بین‌المللی شدید و مستمر برای جلوگیری از تحقق اهداف و ثوابت انقلاب شام

استاد شادی العبود

گرفته، فقط در راه الله سبحانه‌وتعالی و برای رضای او انجام‌شده و اهل شام پیرامون همین فداکاری‌ها گردآمده‌اند و خواهان تحقق آن هستند. آنان در انقلابشان مرد و زن، پیر و کودک، همگی از مساجد بیرون آمدند و با شعارهایی رسا، اهداف انقلاب اسلامی خود را فریاد زدند: «این انقلاب برای الله سبحانه‌وتعالی است، برای اجرای شریعت الله سبحانه‌وتعالی است»، «ما فقط برای الله سبحانه‌وتعالی رکوع می‌کنیم»، «رهبر ما برای همیشه رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم است». آن‌ها فقط رضایت الله سبحانه‌وتعالی را می‌خواستند و هیچ‌کس دیگری را در نظر نداشتند و به همین دلیل متشاققه به فداکاری و شهادت و تقدیم عزیزترین خود روی آوردند، چراکه یقین داشتند بر یکی از دو یکی (پیروزی یا شهادت) وعده‌دارند، به‌ویژه زمانی که همه کشورهای دنیا آنان را تنها گذاشتند و عیلمشان توطئه کردند. انقلابشان با مراثت و جانشینگری برای رضای الله سبحانه‌وتعالی و فداکاری در راه برپایی کلمه و آغاز شد.

پیش از شش ماه از سقوط طاغوت گذشته است و اهل شام همچنان منتظرند تا مدیریت جدید خواسته‌ها و اهدافی را که برای تحقق فداکاری کردند، عملی سازد؛ اجرای اسلام، قطع ستم فداکاری در خلالت در سرنوشته کشورشان، محاکمه جایتکاران رژیم بشار، و همه کسانی که دست‌انشان به خون آلوده است، برقراری عدالت و بهره‌مندی از نعماتی که گروه‌های برای جایتکار و مزدورانش به یغما برده‌اند. در این میان، بسیاری از مردم با دیدن برخی رفتارها و سنده‌های سوی مدیریت جدید دچار شکفتگی و پرسش شده‌اند، حالا جمله‌ای شکفت‌انگیز را زیاد می‌شنوند: «بروید، شما آزادید!»؛ این جمله را به باقی‌ماندگان نیز و شبه‌نظامیان جایتکار می‌گویند، پس این سوال پیش می‌آید که چگونه ممکن است به کسانی که بیشترین آزار را به مردم انقلاب رسانده‌اند، غفو گذشت‌شود، بلکه حتی آنان را تکرم کرد و دولت جدید به سمت‌های عالی و حساس منصوب کند؛ مانند استخدامشان در اداره امنیت عمومی یا انتصاب افرادی مانند جایتکار فادی مفر به‌عنوان مسئول فرماند اجتماعی تا جایی که حالا برای شبه‌نظامیان زندانی میانجیگری می‌کند و هر از گاهی گروهی از آن‌ها را آزاد می‌نماید؛ همچنین انتصاب جایتکار احمد العصر که از نزدیکان اسما اسد است، به‌عنوان مشاور کمیته انتخابات مجلس الشعبی؛ این موضوع زمانی آشکار شد که در اجلاس ملع اجتماعی که سینه‌ها ۲۰۲۵ برگزار شد و حسن موفان عضو کمیته ملع اجتماعی ریاست آن را بر عهده داشت و نورالدین بابا، سخنگوی وزارت کشور مدیریت جدید، هم حضور داشت، شاهد بودیم. این اجلاس چیزی نبود جز تزیق فسخن‌های تاریخ‌نگشته، زیرا آنچه گفته شده و بهانه‌های برای آزادی جایتکاران و افسران برای حوقف ملع اجتماعی بود تا زمانی که دولت دمشق توافق حاصل از ائتلافی را اجرا کند، با این تصور که بتوانند ظلم خانواده‌های قربانیان و فداکاران را که سال‌ها از جایت‌بازد آسپ دیدند، فروبشاندند.

همانا اهل شام مؤمن امروز در آزمون و باطنی بزرگی از سوی الله سبحانه‌وتعالی قرار گرفته‌اند. پس از آنکه الله سبحانه‌وتعالی پیروزی را بر آنان نازل کرد و آن را به ائمت کرامی داشت با برپایی مسیر خود ادامه دهند و شکرالله سبحانه‌وتعالی را به جای آوردند بر آنچه به ایشان عنایت کرده؛ با برپایی شریعت او در زمین و برقراری عدالت در میان مردم و انتقام گرفتن از جایتکاران پست نظام فراری و باقی‌ماندگان کوچک آن تا در حقیقت وعده‌اش را اجرا کند: «لَنْ يَنْصُرَكُمْ تَرْتِيزُكُمْ وَلَنْ يَكْفُرَكُمْ اِنْ غَايِبِي اَشْرِكُ» «و از زمان آن که پروردگارتان موکدانه اعلام کرد که اگر سراسیمگان کردید، هر آینه برایتان افزایش می‌دهم و اگر کافر شدید بی‌گمان عذاب من بسیار سخت است»؛ با پناه بر الله، نعمت‌الله سبحانه‌وتعالی و پیروزی او را انکار کنند یا در برابر آنچه از متکرران عظیم در حقل جایتکار و پیروده شدن میوه پیروزی از دشمنان می‌گیرند، سکوت نمایند تا سخن او در حقیقت محقق گردد: «وَأَنْ تَوَلَّوْا يَنْصُرْكُمْ قَوْماً يُغْزِغُكُمْ لَمْ لَا يَكُونُوا اُمَّةً مَكْرُماً» اگر شما روی برتایید، مردمان دیگری را جاگیرکن شما می‌گرداند که هرگز همتان شما نخواهند بود». ما به اهل خود در شام می‌گوییم، چنان باشید که امت‌شان شما را می‌شناسد و مسلمانان در هر جایی به شما امید بسته‌اند؛ گام‌هایتان را با توکل بر ما سبحانه‌وتعالی استوارتر کنید و آن را به صدای رسا اعلام کنید تا گوش منافقان و بزرگان جایتکار را کر کند؛ آری درونی جایتکار خلافت راشده و اجرای شریعت الله سبحانه‌وتعالی به‌تنهایی و الله سبحانه‌وتعالی با شمسند و هرگز پادشاه اعالتان را ضایع نخواهد کرد.

جایگاه‌های قتل به دست پلیس؛ ذهنیت سرمایه‌داری آمیخته به وحشی‌گری و مصونیت از مجازات

پس افسر پلیس در کنیا منتم به قتل یک وبلاگ‌نویس ۳۱ ساله شدند که ماه گذشته در بازداشت سیس جان باخت. در این‌باره، بیانیه مطبوعاتی نماینده رسانه‌ای حزب‌التحریر در کنیا، آقای شعبان معلم، نکات زیر را برجسته کرد: نهادهای امنیتی در هر نظام سکولار لیبرال، مانند کنیا، امتداد نظام استعماری هستند که بریتانیایی‌ها برای کنترل جمعیت و سرکوب مخالفان به کار گرفتند. در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با آغاز تلاش مردم کنیا برای اخراج قوا حاکمیت خود، پلیس و دیگر دستگاه‌های امنیتی بریتانیایی ده‌ها هزار نفر را بازداشت کردند و بیش از هزار نفر را اعدام کردند. به نظر می‌رسد نیروهای پلیس، مردم عادی را به‌عنوان تهدیدی برای حکومت می‌نگرد؛ رویکردی که اساساً برای تحمیل حکومت استعماری بنا نهاده شد و نه برای حفاظت از مردم.

در ادامه تأکید شد که در خلافت راشده دوم بر منج نبوت که به‌زودی به اذن الله سبحانه‌وتعالی برقرار خواهد شد، نیروهای پلیس مسئول حفظ نظم عمومی، اجرای قوانین و تحقیق در جرایم خواهند بود. شکفته کاملاً آزاد است و مردم پلیس به که ارتکاب آزار جسمی یا شکنجه هر فردی، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، محکوم شود، محاکمه خواهد شد. بر این اساس، نیروهای پلیس کاملاً متعهد به رعایت قانون و نظم و در نتیجه محافظت از جان و مال مردم خواهند بود.

جایگاه‌های قتل به دست پلیس؛ ذهنیت سرمایه‌داری آمیخته به وحشی‌گری و مصونیت از مجازات

پس افسر پلیس در کنیا منتم به قتل یک وبلاگ‌نویس ۳۱ ساله شدند که ماه گذشته در بازداشت سیس جان باخت. در این‌باره، بیانیه مطبوعاتی نماینده رسانه‌ای حزب‌التحریر در کنیا، آقای شعبان معلم، نکات زیر را برجسته کرد: نهادهای امنیتی در هر نظام سکولار لیبرال، مانند کنیا، امتداد نظام استعماری هستند که بریتانیایی‌ها برای کنترل جمعیت و سرکوب مخالفان به کار گرفتند. در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با آغاز تلاش مردم کنیا برای اخراج قوا حاکمیت خود، پلیس و دیگر دستگاه‌های امنیتی بریتانیایی ده‌ها هزار نفر را بازداشت کردند و بیش از هزار نفر را اعدام کردند. به نظر می‌رسد نیروهای پلیس، مردم عادی را به‌عنوان تهدیدی برای حکومت می‌نگرد؛ رویکردی که اساساً برای تحمیل حکومت استعماری بنا نهاده شد و نه برای حفاظت از مردم.

در ادامه تأکید شد که در خلافت راشده دوم بر منج نبوت که به‌زودی به اذن الله سبحانه‌وتعالی برقرار خواهد شد، نیروهای پلیس مسئول حفظ نظم عمومی، اجرای قوانین و تحقیق در جرایم خواهند بود. شکفته کاملاً آزاد است و مردم پلیس به که ارتکاب آزار جسمی یا شکنجه هر فردی، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، محکوم شود، محاکمه خواهد شد. بر این اساس، نیروهای پلیس کاملاً متعهد به رعایت قانون و نظم و در نتیجه محافظت از جان و مال مردم خواهند بود.

جایگاه‌های قتل به دست پلیس؛ ذهنیت سرمایه‌داری آمیخته به وحشی‌گری و مصونیت از مجازات

جایگاه‌های قتل به دست پلیس؛ ذهنیت سرمایه‌داری آمیخته به وحشی‌گری و مصونیت از مجازات

جایگاه‌های قتل به دست پلیس؛ ذهنیت سرمایه‌داری آمیخته به وحشی‌گری و مصونیت از مجازات

بهانه‌های رنگارنگ، بی‌حاصلی محض!

استاد عبد الرحمان شاکر_ ولایت مصر

حوادث اخیر در جاده کمربندی و فروریختن پل‌ها نشان داد که نظام در مصر همچنان به سیاست توهم دستاورد ادامه می‌دهد؛ سیاستی که بر معیارهای مادی وارداتی از تمدن غرب تکیه دارد و نادیده می‌گیرد که معیار سنجش کارها، میزان انطباق آن‌ها با احکام شرعی و تحقق واقعیت و اداره شیوَن مردم است.

این نظام میلیاردها دلار برای این راه‌ها هزینه کرده، بی‌آنکه کسی دربراره کیفیت ساخت یا فایده آن‌ها پرسشی کند. اکنون این راه‌ها نتهنبا مشکلات ترافیک و تصادفات و گرانی هزینه حمل‌ونقل را حل نکرده‌اند، بلکه به نمونه‌ای بازار از فساد و سو-مدیریت تبدیل‌شده‌اند.

سوالی که نظام و رسانه‌اش نمی‌خواهند مطرح شود این است: مگر این پروژه‌ها به‌معنای تاجی اقتصاد مصر تبلیغ نمی‌شد؟ مگر جاده کمربندی و امثال آن به‌معنای برزخ‌ترین پروژه تاریخ مصر معرفی نمی‌شد؟ پس اکنون اقتصاد مصر چیست؟

سرمایه‌داران و بازرگانان، همچون نجیب ساویریس و دیگران، به خاطر خرامت اوضاع ناشی از گسترش سلطه و بی‌توجهی به همه بخش‌ها، در حال فرار هستند. حال، چطور سرمایه‌گذار خارجی به کشوری می‌آید که مردمش از آن گریخته‌اند؟ مگر اینکه حکومت به آن تضمین‌هایی بدهد تا بتواند تلاش و اندوخته‌های مردم مصر را غارت کند.

کارخانه‌ها و بنگاه‌ها در حال تعطیلی‌اند و با آن‌ها هزاران فرصت شغلی از بین می‌رود، حتی کارخانه قند ابوقرقاص را که بیش از ۱۵۵ سال به مردم خدمت کرد، بسندت تا کشور به یازاری مصرفی بدون تولید تبدیل شود.

گردشگری نیز، با وجود اینکه نیازی واقعی به آن در مقابل ثروت‌ها و منابع عظیم مصر وجود ندارد، همچنان به خاطر قطع برق، ضعف بهداشت و خدمات نامناسب گردشگاه در حالت فلج است.

زمانی که آشکار شد این پروژه‌ها هیچ نتیجه اقتصادی به همراه نیاورده‌اند، نظام به توجیهی تازه روی آورد و مدعی شد که این راه‌ها برای اهداف نظامی ساخته‌شده‌اند و به رخدادهای کشورهای اسلامی همسایه استناد کرد؛ اما حتی این ادعا نیز در برابر واقعیت‌ها فرو می‌ریزد، از جمله:

بیشتر این جاده‌ها و سرب‌های بزرگ را به هم متصل می‌کنند، درحالی‌که مناطقی که بیشترین نیاز را به پشتیبانی نظامی دارند، مانند سینا، همچنان بر راه‌های قدیمی و فرسوده تکیه‌دارند.

اغلب سلاح‌های ما از ایالات متحده تأمین می‌شود؛ کشوری که نه داده و نه فواید داد حتی یک گلوله برای جنگیدن یا رژیم بیود، بلکه کمک نظامی خود را صرفاً برای تضمین امنیت آن رژیم غاصب سرزمین مبارک فلسطین اختصاص می‌دهد.

بیشتر منابع راهبردی ما در صدر آن‌ها گاز طبیعی از رژیم بیود وارد می‌شود و این وابستگی در دوره این نظام افزایش یافته است، اگر این نظام واقعیت نزاع را دری می‌کرد، گردن خود را بر پای ریز دشمنان مصر و امت اسلامی قرار نمی‌داد.

بایستد ای مسلمانان؛ با صداقت در برابر الله سبحانه‌وتعالی

هنگامی‌که الله سبحانه‌وتعالی بخواهد ضعیفی را یاری دهد، فقرنتحان را به خوششان مشغول می‌کند تا ضعیف را از میان‌شان برباوند و او نجات یابد یا بر آنان پیره شود. الله تعالی می‌فرماید: «وَلَوْ كُنَّا ذُنُوعَ الْإِنْسَانِ لَغَفِغْنَا مِنْهُ لَقَدْ أَفْسَدْنَا وَلَكُنَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَی الْعَالَمِينَ» «و اگر نبود که الله برخی مردم را به وسیله برخی دیگر دفع می‌کند، زمین فاسد می‌شد، ولی الله سبحانه‌وتعالی بر جهانیان قدرت دارد. این عباس می‌گوید: اگر الله سبحانه‌وتعالی دشمن را به وسیله سایر مسلمان دفع نمی‌کرد، مشرکان را بر مؤمنان غلبه می‌کردند، مؤمنان را می‌کشتند و شهرها و مساجد و ویران می‌کردند.

در غرض ازجاء، الله سبحانه‌وتعالی مؤمنان را از جنگ بی‌نیاز ساخت، زیرا صداقت و پایداری‌شان را دید و تسلیم خوسته‌های دنیوی گمار نشدند؛ پس مبر، پایداری، آحادگی و تقوای الهی، رمز پیروزی و رستگاری است. آری، الله سبحانه‌وتعالی می‌شنود و می‌بیند و او سبحانه‌وتعالی در همین این قائلان است.

پس ای مسلمانان، با الله سبحانه‌وتعالی صادق و مطمئن باشید؛ در موضع عزت و تکیه بر الله سبحانه‌وتعالی بایستید، زیرا کسی که بر الله سبحانه‌وتعالی تکیه کند، نه خوار می‌شود، نه سست می‌گردد، نه گمراه می‌شود و نه مضطرب. هرکس به‌سوی عزت گام بردارد و برای آن بکوشد، الله سبحانه‌وتعالی او را با لباس عزت در دنیا می‌پوشاند و در آخرت پاداشی عظیم برایش قرار می‌دهد؛ اما هرکس به خواری و تسلیم در برابر دشمن کافر و مزدورانش رضایت دهد، قطعاً الله سبحانه‌وتعالی او را با لباس خواری در دنیا و آخرت می‌پوشاند؛ این حال حاکم ماست، به‌ویژه آن‌که سرزمین‌هایشان را گشودند و رئیس‌جمهور آمریکا را استقبال کردند و اموالی را که حق امت اسلامی ستم‌دیده و مغلوب است، بی‌جهت به او بخشیدند. پس الله سبحانه‌وتعالی در این بی‌خردان و هرکه راهشان را برود، برکنی قرار ندهد.

برخیزند ای راستگویان و بدانید که فرجام از آن پرهیزگاران است

امت درشام برای این خون و مال و فرزندان خود را فدا نکرد تا نظام پشار به شکلی جدید، با ریش یا بیریش، بازتولید بشود، درحالی‌که خون کودکان و رنج آوارگان و مجاهدان همچنان فریاد می‌زند: کو آن دولتی که وعده دادید؟! که همچنان چشم به راه مظلمانی است که بر اصول ثابت مانده‌اند، دین و خون امت خود را نفروخته‌اند، تسلیم واقعیت فاسد بین‌المللی نشده‌اند و باور دارند که نجات حقیقی جز با اقامه خلافت راشده دوم بر منبج نبوت ممکن نیست.

ای مظلمان شام! مسیری انتصاب به‌شدت منحرف‌شده و باید پیش از آنکه دیر شود تصحیح گردد. باید به یستی در دین خود راضی نشود و از هدف برقراری حکومت اسلام و سرنگونی همه نظام‌های کفر، به مذاکره با آنها یا تکیه بر آنان، دست نکشد. اینک حزب‌التحریر، پیششار راستین، پیش روی شماست؛ با او کار کنید و نصرمت خود را به او بدهید؛ و او را جایگزین رهبری فعلی کنید که در تحقق رضایت الله سبحانه‌وتعالی، سرولش و مؤمنان و پاسداشت اندازه فداکاری‌های شما شکست‌خورده است. انتصاب نباید در برابر آمریکا و مزدورانش متوقف شود؛ حقیقتاً انقلاب هنوز پایان نیافته و زمان آن رسیده که این استراحت طولانی مبارزان به سر آید و انقلاب به مسیر خود بازگردد. برخیزید ای راستگویان و بدانید که الله سبحانه‌وتعالی باور کسی است که او را یاری کند و سرانجام از آن پرهیزگاران است.

تاریخ نشان داده است که جنگ‌ها با آسفالته‌کردن جاده‌هایی که بودجه کشور را می‌بلعد، تعیین تکلیف نمی‌شوند، بلکه با اقتصادی نیرومند و ارتشی که عقیده‌اش اسلام و سلاحش اراده آزاد است نه پیروی از قدرت‌های استعماری غرب پایان می‌یابند.

همه این دلائل، در کنار تعلق مداوم به رژیم جنایتکار بیود، گشودن فرودگاه‌ها به روی عواملش و مشارکت دادن آن‌ها در همه مناسبت‌های نظام، برای هر صاحب بصیرتی روشن می‌کند که این نظام حدارک جنگ با رژیم بیود را نمی‌بیند، بلکه فقط در پی استمرار بقای خود بر مسند قدرت با حمایت خارجی است.

امروز که برای مردم مصر ثابت‌شده این جاده‌ها نه سود اقتصادی دارند و نه نظامی و حتی دادگاه‌ها اعلام کرده‌اند برای حلق‌ونقل عمومی هم مناسب نیستند، لازم است بفهمند که نظام سگ‌ولار مزدور مصر جز توجیه شکست و ناتوانی و رنگ‌کردن بهانه‌ها برای پوشاندن وابستگی‌اش به آمریکا و کودهای‌اش نسبت به مصر و مردم و ثروتش، کاری نمی‌کند.

این امری طبیعی است، زیرا ما این نظام را به‌جای نظام عظیم اسلام، از غرب وارد کردیم؛ نظامی امور مردم را با نیکوکاری و عدالت، وحدت سرزمین‌های مسلمانان و به حرکت‌داریدن ارتش‌ها برای آزادسازی فلسطین و سایر سرزمین‌های اشغالی اسلام واجب می‌داند. الله سبحانه‌وتعالی فرموده است: «وَإِنِ اللَّهُ يَاقُضَ بِالْفُخْلِ وَالْإِخْشَانِ وَأَيُّهَا ذِي الْفُرْقَنَى وَيُثَبِّتْ غِنَ الْفُخْشَا، وَالْمُتَكَرِّ وَالْيَقِي يَهْطُكُمُ لَعْنَكُمُ تَذَكُّرُونَ» «هانا الله سبحانه‌وتعالی به عدالت و نیکوکاری و دادن حق نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و بقی بازمی‌دارد؛ شما را پند می‌دهد، باشد که متذکر شوید» و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرموده: «هه شما نگهبانید (مسئولید) و هه شما درباره رعیت خود مسئول است».

اسلام در احکام خود کاملاً روشن است، اما امروز در جامعه ما تعطیل‌شده و اجرا نمی‌شود. در اینجا نقش حزب‌التحریر برجسته می‌شود؛ رهبری که هرگز به پیروانش دروغ نمی‌گوید و برای از سرگیری زندگی اسلامی با اقامه خلافت راشده دوم بر منبج نبوت تلاش می‌کند تا سلطه از آن شریعت و قدرت در دست امت شود و مسلمانان از وابستگی به غرب آزاد شوند. استعمارگر و ابزارهایش یعنی نظام‌هایی که به غیر از آنچه الله سبحانه‌وتعالی نازل کرده، حکومت می‌کنند، راهی‌ی بایند.

حق امت اسلامی است که از این پروژه عظیم حمایت کند و با کسانی که صادقانه و با عدیت برای احیای دولت اسلام تلاش می‌کنند دولتی که اویشان را مطابق رضای الله سبحانه‌وتعالی سامان می‌دهد، عدالت را برقرار می‌کند و به وابستگی فتنیابر به غرب کافر پایان می‌دهد، همکاری نماید. «ما أُنْهَى الْإِيْنُ أَفْشَا أَتَمْنُوا سُبْحَانُوا لِلَّهِ وَلِلْأَنْشُولِ إِذَا ذُنُكُمُ لِمَا خُيِّبِكُمْ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صلی‌الله‌علیه‌وسلم، الله سبحانه‌وتعالی و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم، هنگامی‌که شما را به چیزی فرامی‌خواند که به شما زندگی می‌بخشد،

قانون اجاره قدیم در مصر؛ میان فقدان رعایت و تثبیت منفعت‌طلبی و طبقه‌گرایی

استاد محمود اللیشی

در اقدامی که مجلس نمایندگان مصر آن را عادلانه‌ای انتصاب کند که حق مسکن را نابود نکند «تاریخی» توصیف کرد، مجلس در جلسه چهارشنبه، ۲ ژوئیه ۲۰۲۵، طرح قانون اجاره قدیم و سامان‌دهی دولت تعیین کرده: کفایت مردم در خوراک، پوشاک و کشمشک میان منافع مالکان و مستأجران تصویب کرد؛ اما هر کس این قانون را از منظر اسلام و به معیار آن بنگرد نه با معیار سرمایه‌داری، درمی‌یابد منافع است؟!.

این آنچه رخ‌داده است اصلاح، بلکه تثبیت مسیری گمراه‌کننده است که نظامی بشری و قائلانه را حاکم می‌کند و حق رعایت شرعی را که اسلام بر عهده دولت نهاده، پایمال می‌سازد. این قانون، طبق آنچه مجلس نمایندگان و رسانه‌ها اعلام کردند، آمده است تا نظام امتداد قانونی اجاره مسکونی را ملغی کند و مهلتی پنج‌ساله تعیین نماید که در این مدت، اجاره‌ها به‌تدریج افزایش یابد تا به نرخ بازار برسد، سپس مستأجر را در انتظار صورت اضلای نکردن قرارداد جدید، ملزم به تخلیه نماید. قانون تصریح کرده است که اجاره فعلی بلافاصله پنج برابر شود و سپس هر سال ۱۵ درصد افزایش باید تا پایان این دوره و پس‌ازآن رابطه آزاد شود. فقط برخی گروه‌ها مانند بیماران و سالمندان بالای هفتادسال مستثنا شده‌اند تا سه سال دیگر به قراردادشان ادامه افزوده شود.

از خطرناک‌ترین بدهای قانون آن است که تنها به آزادسازی رابطه اجاره‌ای بدون هیچ تضمین واقعی برای تأمین سرپناه بسنده کرده، بلکه میلیون‌ها مستأجر را ملزم به تحمل بار چندبرابری اجاره بلافاصله ساخته است؛ آن‌هم در شرایطی که مردم زیر فشار گرانی، آزادسازی یوند و سیاست‌های وام‌گیری از صندوق بین‌المللی پول روزگار می‌گذرانند. شماری از نمایندگان، رسانه‌های و فعالان حقوقی، همچون نماینده ضیا،الالدین داود، این قانون را در این شکل، آوارگی قانونی برای میلیون‌ها خانواده فقیر و تهی‌کردن معنای مسکن امن و پایدار دانسته‌اند؛ چنان‌که خانواده‌هایی که سه شمت سال ساکن بوده‌اند، ناگهان خود را ملزم به پرداخت اجاره‌هایی چند ده برابر حقوق و مستعری‌شان می‌بینند و سپس، پس از پنج سال، باید تخلیه یا کوچ کنند.

این وضعیت هیچ نشیبتی با آنچه باید در اسلام به‌معنای رعایت باشد ندارد. دولت اسلامی دلال مالک یا مأور مالیات به نفع اقلیتی از مالکان بزرگ یا سرمایه‌گذاران ملکی نیست، بلکه مسئول است که برای هر فرد از رعیت خود مسکن باکرامت فراهم کند و هیچ‌کس را به بی‌سرپناه رها نکند یا مجبور به انتماس برای سرپناه نشود؛ چنان‌که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: «هه شما نگهبان و مسئولید و هه شما درباره رعیت خود مسئول است».

این مسئولیت فقط یک شعار نیست، بلکه سیاست حکومتی است که دولت را ملزم می‌سازد مسکن مردم را تضمین کند و از احتکار و سوءاستفاده از نیاز مردم جلوگیری نماید؛ در این قانون، دولت فقط وعده صندوق حمایتی داده که سازوکار و منابعش نامشخص است، درحالی‌که به‌وضوح شروع به افزایش اجاره‌ها و آامدسازی با بازار ملک برای تاجران سرمایه‌گذاری کرده است، به بهانه «تحقق توازن میان مالک و مستأجر».

هرکس به سخنان دولت و مجلس بنگرد، می‌یابد که جوهر انگیزه‌های واقعی این قانون جدی از سیاست‌های خصوم‌سویازی و آزادسازی اقتصادی که نهادهای بین‌المللی دیکته می‌کنند نیست، در دولت می‌خواهد ارزش مالک را افزایش دهد تا

فایده‌اتمالی ملکی یا بالا ببرد، سرمایه جذب کند و پول بیشتری وارد بازار متورم ملک کند؛ آن‌هم به قیمت پیشبردن سخنانش شهرها و آنچه باید توجه کرد، این است که آزادسازی رابطه اجاره‌ای ممکن است قیمتی اماک را فوراً ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش دهد؛ یعنی یک موج تورم جدید.

سپس ادعا می‌شود که این قانون مشکل مالکان را حل می‌کند، حال آن‌که این ادعا حقیقت را ناقص بیان می‌کند. بله برخی مالکان به دلیل اجاره‌های ثابت‌شده طی دهه‌ها مظلوم بوده‌اند، اما راه رفع این ظلم، ظلم بزرگ‌تر نیست؛ یعنی تحمیل هزینه‌ای فراتر از طاقت میلیون‌ها نفر و رهاکردن آنان به سرروشت نامعلوم. راه‌حل اگر واقعاً دولت را بدنبال رعایت مردم باشد این است که راحل شود!

توانمندی‌های امت هدر می‌رود؛ به‌سب فقدان وحدت سیاسی و رهبری مخلص

پنتاگون با افتخار اعلام کرد که بمبافکن‌های آمریکایی بدون شناسایی وارد حریم هوایی ایران شدند؛ پس باید این اتفاق باعث حساسرسی جدی شود. این اسلامی که در سراسر قاره‌ها گسترده است، ثروت‌های عظیمی دارد، بر گذرگاه‌های راهبردی دریایی مسلط است و بعضی از بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان را در خود جای داده، اما این توانایی‌های عظیم به به‌خطر قنرت دشمن، بلکه به‌سبب نبود وحدت سیاسی و رهبری حقیقی‌ای که واقعاً نمایندیه امت باشد، فلج شده است. الله سبحانه‌وتعالی همه امکانات سیدایت، پیشرفت و رهبری جهانی را به این امت عطا کرده است. بااین‌حال، منابع ما پراکنده است و ارتش‌هایمان در مرزهای مصنوعی گرفتارند. دعوت به نظام سیاسی اسلامی؛ یعنی خلافت، برای بازگرداندن عدالت، توازن و رحمت به بشریت چنان‌که در گذشته کرد، صرفاً یک آرمان‌گرایی نیست، بلکه یک واجب، یک ضرورت و تنها راه ممکن به‌سوی آینده است. خلافت است که می‌تواند توازن قدرت جهانی را بازآفرینی کند و تا دوباره به بهترین امتی که برای مردم پدید آمده، بازگرداند؛ امتی که حامل پیام الله سبحانه‌وتعالی برای همه بشریت باشد.